

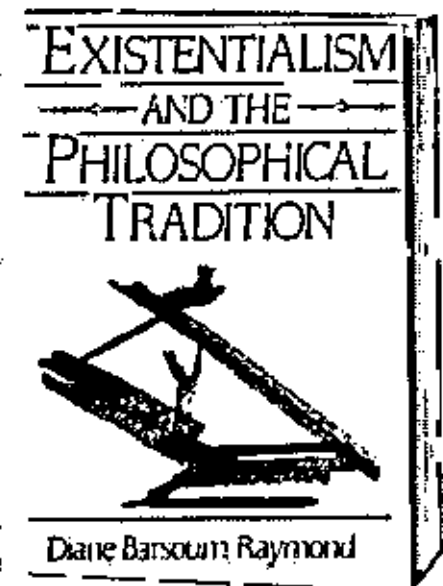
اصالت اضطراب وجود

درموند به پاتا کید بر مفاهیم بنیادین
اگزیستانسیالیسم، از روایت تاریخی صرف
تن می‌زند

فریبا کاتبی فر

اگزیستانسیالیسم بیش از آنکه محصول تأملات فلسفی یک یا چند فیلسوف باشد، محصول یک جریان فلسفی در یک دوره زمانی است؛ جریانی که از یک سو با سنت پدیدارشناسی هوسرل در ارتباط بود و از سوی دیگر با دغدغه‌های هستی‌شناختی انسان تنها و بی‌معنای معاصر؛ چیزی که باعث شد اگزیستانسیالیسم در فاصله بین ۲ جنگ به طرز خارق‌العاده‌ای در اروپای غربی با استقبال مواجه شود. نوع خاص نگاه این جریان فلسفی به هستی‌پسری و دغدغه‌های آن بوده است. از همین رو فلاسفه‌ای که با نام اگزیستانسیالیست شناخته می‌شوند، با وجود تفاوت‌های گاه بنیادپیش‌شان، مسائل و مباحث مشترکی را به بحث گذاشته‌اند؛ مسائلی که حول یک محور واحد، منظومه‌وار می‌گردند؛ وجود انضمامی انسان.

Existentialism and the
philosophical tradition
- Diane Barsoum Raymond
simmons college 2003



□ زان پل سارتر می‌گوید واژه «اگزیستانسیالیسم» اکنون «چنان گشاد و فراخ در باره بسیاری از چیزها به کار می‌رود که دیگر اصلا هیچ معنایی ندارد». این گفته سارتر در حالی که اگزیستانسیالیسم به عنوان واکنشی به تبعات اجتماعی و اقتصادی حاصل از جنگ جهانی دوم، به واژه ملبوس مردم کوچک و بزرگ تبدیل شده بود، در عین دلالت بر کاربردهای ناروایی نشأت گرفته از پوپولیسم فرهنگی، به یک معضل معنایی نیز اشاره داشت. اگزیستانسیالیسم به سادگی قابل تعریف نیست. این معضل نه از پایت فقدان چهار چوب معیاری بلکه بر خاسته از نکتز آرای کسلی بود که به رغم اشتراک بعضی آرای وجودی‌شان، در فهم و انتقال نتایج حاصل از این آرا با یکدیگر اختلاف نظر داشتند.

از سوی دیگر بعضی از دشواری‌های تعریف اگزیستانسیالیسم به خاطر ویژگی‌های خود این فلسفه بوده است. به عنوان مثال، بیشتر اگزیستانسیالیست‌ها انکار می‌کنند که بتوان واقعیت را به شکلی مرتب و مجموع در قالب یک سیستم گنجانده از این رو آنها نظرهای فراگیری همچون نظر هگل را رد می‌کنند. این به معنای غیر سیستماتیک بودن اگزیستانسیالیست‌ها نیست بلکه آنها متغیباتی به جای بدل از یک چهار چوب تئوریک سازماندهی بر غنای تجربه بشری ناکید کننده همان طوری که دیگه بار سوم ریموند در مقدمه کتاب خود «اگزیستانسیالیسم و سنت فلسفی» به این نکته اشاره دارد: «بر خلاف فیلسوفان سنتی که انسان را به مثابه حیوان عقلانی تعریف کرده‌اند، اگزیستانسیالیست‌ها با کنار گذاشتن امتیاز عقل، به دنبال ارائه تبیین‌هایی از تنوع تجارب بشری‌اند تجاربی همچون اراده و عاطفه. البته این به آن معنا نیست که فیلسوفان وجودی عقلانیت را به کناری می‌بندند بلکه آنها نسبت به جذبه عقل که بسیاری از فلاسفه اولیه را به کرنش و تسلیم واداشتند بدگمانند» (ص ۶). فلاسفه سنتی تمایل داشتند فلسفه «حقیقی» را بر پایه عقلانیت، بنیان‌نهدند عقلانیتی که قادر بود کل را در علم و جایگاه مادر آن را در پادشاه متمدن فکران اگزیستانسیالیست بر اجتناب حالات غیر عقلانی تجربه و مسئولیت فلسفه در قبال آشکار سازی و تشریح این مقولات جدید تأکید دارند.

میکل داو نامونو - فیلسوف اگزیستانسیالیست اسپانیایی - تصریح می‌کند که ما نه با صرف عقل بلکه با تعلیم بدن و روح است که فلسفه‌ورزی می‌کنیم؛ «فلسفه، محصول انسانیت هر فیلسوف است». (درد جاودانگی ص ۲۸). به هر حال، یک تنوع گسترده بین متفکران وجودی حاکم است. به عنوان مثال، بعضی قائل به وجود خدا هستند، در حالی که بعضی دیگر نیستند؛ بعضی نسبت به معناداری تجربه بشری از دیگران خوشبین‌ترند اما بعضی دیگر بر پوچی این تجربه تأکید دارند؛ بعضی بر آزادی تأکید، یونستری دارند اما بعضی بر پوچی و بعضی دیگر هم بر جهان بین‌الاشخاص. به همین دلیل هم بر این موضوع تأکید

شده که اگزیستانسیالیسم، نه یک فلسفه بلکه یک شیوه فلسفه‌ورزی است. کتاب «اگزیستانسیالیسم و سنت فلسفی» حاصل ۱۵ سال تدریس دانشگاهی نویسنده در حوزه فلسفه و فیلسوفان وجودی است. یک مرور سریع بر محتوای کتاب نشان می‌دهد که متن، بیش از آنکه تاریخی باشد، موضوعی است؛ یعنی بر اساس مضامین اصلی فلسفه اگزیستانسیالیسم سازمان‌دهی شده. مضامینی همچون از خودبیگانگی، آزادی، اصالت، پروا، پوچی، زیست‌جهان و اخلاق. نویسنده در ۷ فصل کتاب مباحثی همچون چرایی اگزیستانسیالیسم، از خودبیگانگی، خداپواری و الحاح تبارشناسی و بازسنجی ارزش‌ها، مساله هستی و پدیدشناسی، آزادی و مسؤلیت، دیگری و بدن و حیات اخلاقی را مورد بحث قرار می‌دهد.

در مقدمه هر فصل، یک تحلیل تاریخی از موضوع مورد بررسی ارائه شده و طی آن، زمینه طرح بحث و نسبت آن با دیگر مباحث مرتبط با آن روشن شده است. نویسنده تلاش می‌کند در جریان مباحث خود، نحوه مواجهه فلاسفه وجودی با مسائل فلسفی را تشریح کرده و ضرورت طرح این مسائل را روشن سازد. به عنوان مثال، در فصل چهارم کتاب که به بحث «اگزیستانسیالیسم و مساله هستی» اختصاص یافته، نویسنده ابتدا مساله سوپرکتیویته و ایجاد شکاف میان سوژه و ایزه در فلسفه مدرن را به بحث گذاشته و سپس به سراغ پدیدشناسی هوسرل می‌رود که فلسفه او، در واقع واکنشی به شکاف سوپرکتیویته و بازگشتی به جهان زندگی است.

پدیدشناسی استعلایی هوسرل زمینه را برای فلاسفه وجودی‌ای همچون هایدگر، سارتر و هرلوپوتی مهیای می‌کند تا با استفاده از روش توصیفی پدیدشناسی، حوزه مورد بررسی را از گستره معرفت و آگاهی استعلایی به گستره زیست‌جهانی گشاده و از این طریق، هستی موجودات حاضر در زیست‌جهان را به پرسش بگیرند. بنابراین ریموند در طرح مضامین وجودی، تنها به تحلیل آموزه‌ها اکتفا نمی‌کند بلکه آنها را در بستر تاریخی‌شان قرار داده و تلاش می‌کند هر آموزه را در پرتو دیدگاه‌های فلاسفه طراح آن آموزه و از در پیچ آرا و افق دیدشان بررسی کند. ریموند روش تحلیلی - توصیفی خود را با آوردن گزیده‌هایی از متن خود فیلسوفان در پایان هر فصل تکمیل می‌کند.

به زعم نویسنده، گزینشی از متون کلاسیک مربوط به موضوع هر فصل در پایان آن فصل، می‌تواند پایه‌ای برای فهم دقیق‌تر موضوع فلسفی نویسنده‌گان باشد. بسیاری از این متون همچون ترس و لرز کیهان که گارد، هستی و نیستی سارتر، هستی و زمان هایدگر، اگزیستانسیالیسم به حساب می‌آیند و مطالعه آنها می‌تواند به خواننده کمک کند تا درک بهتری از آرای متنبر و گاه متضاد فلاسفه وجودی پیدا کند (ص ۷).



اگزیستانسیالیسم کیست
فریبا کاتبی فر
وکیل پایه یک دادگستری
خلاقیت‌های بی‌پایان
فلسفی و هنری
مخبر دوران
کلاس‌های
ویدئوهای
و از انصاف
شده که
استی از
عشق
این در
اگزیستانسیالیسم
فریبا کاتبی
فلسفی جای